



### شاگردی خدای کند شاعر بزرگ

عبدالغفور آرزو

بر آسمان تاریخ ادبیات معاصر افغانستان در غم غنوده نگاه می‌کنم و تک تک ستارگان شعر و هنر را مرور می‌نمایم و بر مدار زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۶۶ خورشیدی خیره می‌شوم و با قیام ذوق و یاسکول سخن‌شناسانه معاصر، شاعران شش دهه را محک می‌زنم. روانشاد استاد خلیل‌الله خلیلی درخشندترین ستاره این مدار گسترده زمانی است. اگر مثالی غبارآلود نباشد، شمیم گل‌های گلاب شده را حس خواهد کرد و با مستی لطافت‌پروری تکرار:

پرسند گر امروز که استاد سخن کبست  
گویم هماهنگ که استاد خلیلی

**حبیب یغمایی**  
این قضاوت روانشاد حبیب یغمایی را بزرگانی چون استاد فروزانفر، استاد سعید نفیسی، دکتر صورتگر، دکتر رضاشاد شفیق، علامه صلاح‌الدین سلجوقی، دکتر غلامحسین یوسفی، دکتر سرور مولایی و غیره تکرار نموده و بر آن صحنه می‌گذارند. البته این بدان معنا نیست که اشعار روانشاد خلیلی دارای جز و مد و عث و سمین نیست، بل تکیه بر این اصل است که ارزش‌افزونی از لغزش‌هاست و در پرتو لطافت‌ها، ضحامت‌ها ناپیداست.

فرهنگستان می‌دانند که در سبک‌شناسی، بحث بسامدها مطرح است و شاخصه‌های سبکی مبتنی بر بسامدهای هنری کلامی است. از دید زیباشناسی نیز بسامد تاسیها معرف چهره غالب هنری است. هرچند در حاشیه پیکره‌ها متناسب، نسبت‌های نامتوازن نیز حضور داشته باشد. کل، آموزنده و راهگشاست ولی جاده‌های فرعی، از هویت کلی بزرگراه نمی‌کاهد و طاووس با پایهای آتیشی نیز طاووس است.  
اگر از منظر فلسفه و کلام، معرفت‌های بشری را ارزیابی نمایم، همه معرفت‌ها همزج باحق و باطل، فراز و فروداند. خاوندگار بلخ از چنین سگونی است که در نای متیزک مشوخ شریف دیده است:

هر که گوید جمله حق است، احمق است  
و آنکه گوید جمله باطل، او شقی است  
که البته و صد البته تفاوت حق‌طلبی‌های نخله‌های اعتقادی نسبت به حقیقت واحد قدسی‌دیده تعبیر متکلمان- تفاوتی است تشکیکی، که به خاطر مقام کلام از این میدان می‌گذرم و با زمزمه یادکن از نجد و از باران نجد به قلمرو اشعار روانشاد استاد خلیلی قدم می‌گذارم، قلمروی که نگارنده در «نقد خلیلی» اندکی آن را شکافته است و باور دارد که تناسب‌های زیباآفرین، افزون‌تر از نسبت‌های نامتوازن است.

اینک که کلیات اشعار استاد خلیل‌الله خلیلی به کوشش دیده‌ور فرهیخته عبدالحی خراسانی چاپ و انتشار یافته، پژوهشگران حدیقه‌شناس می‌توانند به آسانی به دقایق شعر روانشاد بپردازند و از ارزش‌های هنری‌ای که کلیت نظام شعری شاعر را می‌سازد، حظ ببرند و از لغزش‌ها نیز هنرمندانه بیاموزند، زیرا در یک نگاه کلی، تشخیص لغزش مساوی با ایجاد ارزش است، البته اگر همتی بدرقه راه رهرو گردد.  
این اثر وزین دارای چنین شناسنامه‌ای است:  
**کلیات اشعار استاد خلیل‌الله خلیلی / به کوشش عبدالحی خراسانی**

**چاپ نخست ۱۳۷۸**  
البته قطع آن وزیری، جلد آن کالیبرتور، شمارگان: ۳۳۰ جلد، و ۶۴۲ صفحه دارد.  
چاپ این اثر وزین، در گرو مساحتی است که عشق و فرهنگ را در بغل دارد. بدون شک در این «حقیقت‌سال عشق»، در این زمانه‌ای که جنگاوران جز به چند نمی‌اندیشند و کاخ بانسکوه فرهنگ باستانی ما، در شرار شرارت‌های فتنه‌پرور به آتش کشیده شده، و با کمال تأثر تا خاکسترشدن فاصله‌های ندارد، برداشتن لرزه‌ترین گام در جهت فرهنگ‌پروری، ستایش دل را به همراه دارد و از این منظر است که بر صاحب‌دل عزیز آقای خراسانی گل می‌ریزم و از گزار دکلیات اشعار... با تمام توان تمجید می‌نمایم.

البته هرگز نمی‌توانم از عشق و رجاوند گرمای جناب دکتر جنیدی به فرهنگ مشترک یادآوری ننمایم. بزرگمردی که با فرهیختگی، «بنیاد فرهنگی نیشابور» را خانه و خون همدلی هم‌زمانی خویشاوندی قرار داده و در این روزگار فصل، خاطرات روزگار وصل را عاشقانه زمزمه می‌نماید و با چاب سفینه «شعر معاصر افغانستان» و دکلیات اشعار استاد خلیل‌الله خلیلی» می‌خواهد در «سرزمین‌های دری‌خون» عطر بپاشد. آری:

من دری گویم، دری آن من است  
این گهر اثرش نیاکان من است

با چاپ شدن این اثر وزین، که در خوان نخستین آن میدان‌دار بودم، اشتیاقی بر جانم زبانه کشید. با همه گرفتاری‌ها آن را مرور نمودم و خاطرات تفریح در آثار روانشاد، در ذهنم تازه گردید. آنچه که این اشتیاق را مضلع نمود، اعلام صریح فرزند ارشد استاد جناب مسعود خلیلی است. موصوف با تحکم در صفحات آغازین کتاب نوشته است:

«تمام آثار ادبی شعری استاد... در کلیاتی که اینک در دست شماست، موجودند. با تمام خوشحالی از این نوید، ذهنم که از خرمن اشعار روانشاد خوشه خوشه ذوق جیده است. از همان آغاز با تردید آن را تکرار نمودم. با همین نگاه، یعنی شک، کتاب وزین را وزن نمودم و با مروری اجمالی در پایان کتاب که آن تحکم تکیه‌گاهی ندارد و قضاوتی است شتابزده. اندکی درنگ می‌کنم:

«سرد شهیدان» سفینه‌ای است که سه سروده عشق و فرهنگ را در بغل دارد. این مجموعه با خط زیبای نسبتاً بلند را دربر دارد. این مجموعه با خط زیبای آقای تقی منتظری نوشته شده و با همت خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران - پیشاور در ۷ ثور ۱۳۶۴ چاپ شده است. در آخرین صفحه این مجموعه زیبا و درد برانگیز، جمله: «فاطم‌الدین رود - اسلام‌آباد» ثبت است، یعنی شناسنامه این مجموعه همین است و بس.  
این «کلیات اشعار خلیل‌الله خلیلی» از حضور

سروده‌های زیبای این سفینه، کاملاً محروم است. به خاطر روشن شدن بیشتر فضا، از هر سه سروده چند بیتی را به تماشا می‌گذارم:

۱ - شام دیچور  
دوش دیدم که به هم خورده نظام عالم  
آسمان گشته چو طومار نوردیده به هم  
آفتاب از در مغرب بدر آورده علم  
اختران سوخته و ریخته در چاه عدم  
نه سپیدی به سحر مانده نه ظلمت در شام  
نه به دریا رم موج و نه به ساحل آرام  
نه زمان است، نه آن سلسله زنجیرش  
نه بهار طرب افزا، نه دی دلگیرش  
نه بشر مانده، نه هنگامه دار و گیرش  
نه ز ابلیس نشان مانده، نه از تزویرش  
کره خاکی ما رفته به گودال زوال

شده مخلوق به هم قف جنبوش به شمال  
پس از این بند که مقدمه غم‌انگیزی است بر  
چگونگی «زوال زمین»، تمام بندهای دیگر دو بیت و یک بیت ترجیع دارد:  
کوساران سرفراز برون جسته ز جا  
شده چون ذره پراکنده به پهنای فضا  
آتش و آب در افکنده به گیتی غوغا  
سوخته، موج شده دره بلند از دریا  
لرزه در کارگه کون و مکان افتاده  
ریخته در سلسله دور زمان افتاده

۲ - صبح امید  
نگه از دیدن آن ملحمه غلغله به خون  
خرد از دهنش آن واقعه گردید زبون  
دل به تنگ آمد و فریاد برآورد برون  
بر سراپای تنم سایه فروشت جنون  
چشم مالیدم و دیدم که جهانی است دگر  
آفتابی است دگرگون و مکانی است دگر

۳ - نیایش گلگون‌کنان  
شد نگاه پدیدار صدایی به هوا  
خطی از نور عیان گشت فروزان به فضا  
گوش‌ها یکسره شد وقف به آن طرفه صدا  
تا چه فرمان رسد از یارگه لطف خدا  
بانگ آمد که چه خواهید ز درگاه کریم  
مالک الملک خداوند جهاندار حکیم  
وقتی که تحکم جناب مسعود خلیلی و نبودن مجموعه «غزل‌نگیز» «سرد شهیدان» را در «کلیات اشعار خلیل‌الله خلیلی» با جناب استاد تمنا در میان گذاشتم، ایشان که ذهنی وقاد و دردیابار دارند، بر چند سروده دیگر گذشت گذاشتند که باز هم کلیات، از حضور این اشعار محروم است. به این اشارات فهرست‌گونه عنایت نمایند:

۱ - قصیده معرفی که به امام راحل تقدیم شده است. مصرع نخستین آن چنین است:  
**آیت‌الله خمینی امی امام مسلمین**  
۲ - قصیده‌ای که به مرحوم جنرال ضیاءالحق تقدیم شده است.  
**شو ضیاءالحق چراغ آرزوی مسلمین**  
شو علمدار مسلمان، شو مهین سرباز دین  
۳ - غزل شورانگیز:  
**در لباس خواب چون طاووس زیبا**  
دیدم  
بیخود و مست و ملنگ و شوخ و شیدا  
دیدم  
۴ - ارادت‌نامه حضرت استاد به بارگاه حضرت ابوالقاسم فردوسی:  
آخرین بر شاعر دریا دل گردون شکوه  
۵ - ارادت‌نامه روانشاد به بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا (ع):  
به آستان رضا بوسه زن ز روی صفا  
که آستان رضا بوسه‌گاه اهل صفات  
صدای عشق برون می‌دمد از این وادی  
صدای عشق اگر بشنوی، صدای خداست  
به یاد زدن جهان را به یک فشاندن دست  
اگر چه کاخ سپهر از وجودشان بریاست  
کون که از در و دیوار، فتنه می‌بارد  
مقام ام به جز آستان شاه، کجاست؟  
به شوق سجده در این آستان نهادم روی  
که در حرم سه جزا سجده هر چه هست،  
خداست  
۶ - استاد در سال ۱۳۳۵ خورشیدی به تهران سفر می‌کنند. در این سفر فرهنگی که سراپا پیام همدلی را دربر دارد. روانشاد سرمد و شادروان خلیلی غزل مشترکی را انشاء می‌نمایند که از منظر فرهنگی کرده‌خوردن دلها را به تماشا می‌گذارد. این غزل همدلی نیز در «کلیات خلیل‌الله خلیلی» حضور ندارد:  
تا به خلوت‌نگاه دل آن مه مرا همراه شد  
پیش گیسوی درازش عمر من کوتاه شد  
حسن عالمگیر او نازم که از تیر نگاه  
همچو «سرمد» کشته عشقش «خلیل‌الله» شد  
۷ - در کنار این عدم حضور سروده‌های جان‌پرور، سروده روانشاد جهانگیر تفضلی نیز در صفحه ۳۱۵ به نام خلیلی چاپ شده‌است. البته شادروان تفضلی این سروده را به استاد تقدیم نموده، اما از آن استاد خلیلی نیست:  
بر باد شدم آنچه به جا شد ز جوانی  
اگر از این غیبت و حضور بگذرم، هرگز نمی‌توانم  
از غلغله‌های فراوان جایی بگذرم. به حق در حوصله و غلط‌نامه نمی‌کنجد.  
دو دیگر این‌که: همه سخن‌شناسان می‌دانند که اشعار شاعر دارای دو فصل تمایز است:  
۱. اشعار قبل از انقلاب  
۲. اشعار دوران هجرت و انقلاب  
اشعار قبل از انقلاب، نگارستانی از هنر است و اشعار دوران انقلاب، تپش‌های قلب سخنور

کهنسالی است که در پیرانه‌سر، شاهد به خون تپیدن مادر وطن است. لذا با گلوئی بغض گرفته و چشمان اشکبار می‌موید و می‌نالد و از فرط درد جیغ می‌زند و بر تجاوزگران سفاک نفرین می‌فرستد و بر برهنه‌پایان حساسه فریون درود. دیگر در بند نگارگری نیست. به همین علت در مقدمه مجموعه اشک‌ها و خون‌ها، دوستان ملزم به ظرافت‌های هنری را مخاطب قرار می‌دهد:  
«این دفتر پراکنده، انداختنی است نه اندوختنی، و سوختنی است نه آموختنی. گذشت آن خسته روزهایی که سخنان مرا زبانیان‌گاران شهر کابل به هفت شیوه نگاشته چاپ کردند و کاروان‌سالاران دری سوازی در کشور من و در ایران گل‌زیمین سخن آفرین یا پیشگفتاها و بسین نوشتارها، با نامه‌ها و چکامه‌ها، آن مایه ناچیز را نگار جادوئی بخشودند...»

سخن در این سفر آیین‌نامه بیشتر از دیوان به میدان رفته، مرغ نواخوان هنر از بوستان به سنگر شده.  
نگارشگر خامه از هفت‌خوان رویین‌تن، ستایشگر هشتاد هفتاد جوان اشک و خون گردیده، از نیایش بر دوش کله‌داران گردن‌افراز زرین‌کمربند به آفرین برهنه پایان تهنی دست آزادی خواه پرداخته.  
در این خارستان، اندوه بوی خون و باروت با نکهت نسرین و سمن درآمیخته. داغ لاله‌هایش را به مادری داده که فرزند جوانش را به خون آغشته دیده...»

بنابا باید اشعار استاد در دو فصل شیرازه و تدوین می‌گردید تا خواست و آرزوی روانشاد برآورده می‌شد و خوانندگان نیز با تفریح در اشعار «دیوانی» و «مهدیانی» استاد، به راحتی قضاوت می‌کردند، چنان که نگارنده در «نقد خلیلی» این دو فصل را از دو دریچه به تماشا ننمست است. متأسفانه به همان شیوه معمول و متعارف کلاسیک «کلیات» تدوین گردیده، و چنان «بویستان» و «سنگر» عین گردیده که ذوق سخن‌شناسانه را غم‌آبین می‌نماید.

سخن دیگر: اگر مراثی سخنوران هموطن و هم‌زبان، حسن‌خاتم «کلیات» می‌بود، طبیعتاً بر محاسن کتاب افزوده می‌شد و تصویری از مقام رفیع استاد را به تماشا می‌گذاشت.  
آخرین نکته: شرح حال استاد آن قدر موجز است که از دل‌نگینی گله می‌نماید.  
□  
با همه این کاستی‌ها، باور دارم که این اثر وزین، خلوت فرهیختگان را مرتین نموده و هرگز از محاسن کتاب نمی‌کاهد. با دست مریزاد به جناب خراسانی، می‌روان روانشاد استاد خلیل‌الله خلیلی درود می‌فرستم و از بارگاه ایزد خردبخش‌های انتجاع می‌نمایم تا زمین افغانستان را سبز و آسمان آن را آبی بگرداند. آمین.



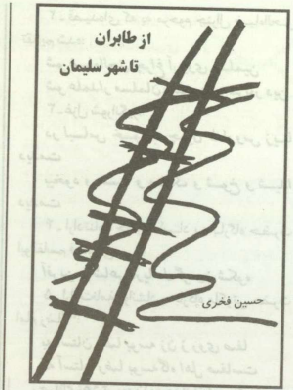


### کلمه‌های مشخّر

نکاهی به «از طایران تا شهر سلیمان»، سفرنامه حسین فخری

- از طایران تا شهر سلیمان (سفرنامه ایران)
- حسین فخری
- چاپ: دانش کتابخانه، پشاور، پاکستان
- تیراژ: ۵۰۰
- جیبی، ۲۰۳ صفحه

در این سال‌های اخیر، سفرنامه‌های چندی از مسافران خارجی داشته‌ایم که به عنوان نمونه، «در افغانستان چه می‌گذرد؟» از یک دانشجوی آمریکایی و «پریچه‌های سرخ، کوچه‌های سیبزه» از رضا برجی خبرنگار ایرانی و سفرنامه‌های اصغری و صفزاده سمگانی را می‌توانیم نام ببریم. از جمله نویسندگان افغانستانی که در این اواخر دست به نگارش سفرنامه زده است، حسین فخری است که از وی «از طایران تا شهر سلیمان» در دسترس علاقه‌مندان به مطالعه و کتاب قرار گرفته است. کتاب اخیر فخری، بین برجستگی‌ها و کاستی‌ها در نوسان است که به طور اجمال، به آن‌ها نظری می‌افکنیم:



حسین فخری  
همین تعریف بر آن مترتب است. بی‌توجه به تعریف سفرنامه، رعایت دقت، سلامت، امانت و تحلیلی مبتنی بر دریافت‌ها (یکی از عناصر سفرنامه) پیش‌شرط‌های سفرنامه است. این منظر، «از طایران تا شهر سلیمان» را به خوانش می‌گیریم:

نویسنده در آماردهی و اطلاع‌رسانی، کم دقتی و شتاب‌زدگی نشان داده. به عنوان نمونه وی در خصوص اسامی افرادی که در ایران و حوزه‌های فرهنگی مهاجرین اقامت دارند، «از پژوهشگران جا افتاده در قم... اسدالله شافعی، کاظم یزدانی، سیدفضل‌الله قدسی» یاد می‌کند (ص ۱۰۵) که نامبردگان در تهران و مشهد مقیم هستند. یا قضاوت و در دریافت نویسنده بدین صورت که «بیشتر اینان یک وجه مشترک دارند، و در آتش آرزوی شدید احیای هویت و تفکر خاصی می‌سوزند» (ص ۱۰۵) غیرواقعی است. همچنین ذکر نام «اتحادیه نویسندگان» در قم (ص ۱۰۷) و وجود همچنین تشکیلاتی، مبین عدم دقت نویسنده است.

همچنین نویسنده آمار نادرستی از مجموعه‌ها و کتاب‌های چاپ شده توسط «دفتر هنر و ادبیات افغانستان» داده و به قول وی «از طرف این دفتر، تاکنون در حدود ۴۰ عنوان کتاب چاپ و انتشار یافته است» (ص ۶۱) این آمار نادرست است و نویسنده احتمالاً بنا بر اطلاعات نادرستی که به او داده شده است، کتاب‌هایی را که از سوی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی تهران، مؤسسه فرهنگی هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب و مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان چاپ و نشر یافته‌اند را هم به پای دفتر هنر و ادبیات افغانستان ثبت و ضبط نموده است. مثلاً «بست کوه قاف» را مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، «سرگذشت موسیقی معاصر افغانستان» را حوزه هنری تهران و «روزنه» را انتشارات ضریح آفتاب نشر نموده‌اند و همین‌طور، خیلی دیگر از کتابهایی که نویسنده نام برده‌اند در

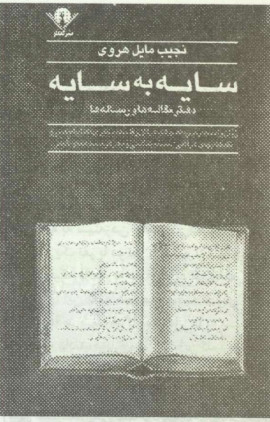
مرکزی غیر از دفتر هنر و ادبیات به چاپ رسیده‌است. حسین فخری در سفرنامه‌اش بیش از حد و اندازه به مقولات جزئیاتی، سیاسی و تاریخی پرداخته. در عصر ارتباطات، وضعیت تاریخی، سیاسی شهرهای ایران مثل مشهد، تهران، اصفهان، قم را همه کی می‌داند و لازم نیست که سفرنامه‌نویس در هر قسمتی از کتابش، مدخلی بسیار مفصل باز کند و از ماجرای تاریخی، سوابق و وضعیت زرع و کشت بنویسد و بدین طریق، زیاده‌گویی و اطاله در سخن شود و خواننده از سفرنامه سفرنامه، خود را در مدخل سوابق تاریخی و مدنی شهرها مشاهده کند. به عنوان نمونه در صفحه ۳ کتاب، از پیشینه شهر یزد و شیراز به تفصیل سخن گفته و همچنین، در صفحه ۱۴ تاریخ‌نگاری کرده تا صفحه ۱۵: بلوچ‌ها حثقی مذهب‌اند و نام قدیمی بلوچستان... و در صفحه ۱۵ کشت و زرع سیستان را شرح داده و در صفحه ۲۰ سفرنامه تاریخی شهر مشهد را به طور مشروح بیان کرده و در صفحه ۲۲ تا ۲۸ از دیده‌ها، دریافته‌ها، خاطره‌ها و رخدادها فاصله گرفته است.

این زیاده‌گویی و مدخل‌های مفصل و نیمه مفصل تاریخی و زیست محیطی، کتاب را از آن مزه و دلچسپی انداخته است. قابل یادآوری است که باید سفرنامه‌نویس مضامین تاریخی، اجتماعی، سیاسی و سوانح طبیعی را طوری به رشته قلم بکشد که این مضامین را در سفرنامه مستحیل شوند و فصول منفک و جداگانه‌ای به چشم نیایند. لازم به تأکید است که در عصر تکنولوژی و ارتباطات امروزی، هیچ چیزی تاگفته، ناشنیده و ناتوانسته نمانده است.

سفرنامه نویسی، سفرنامه بنویسد نه دیگر چیز «یده‌های نویسنده در برخی جاها بسیار به حدی نازل و معمولی می‌رسد. توصیف‌های فیزیکی و ظاهری شاعران و نویسندگان مشهد و قم خیلی سطحی جلوه می‌کند (موهای تیره کوتاه و آراسته، چهره گرد و گوشتی، دهان تنگ و چشمان بزرگ و میشی کم‌رنگ، پهلوان وزن متوسط... کدام اهل مطالعه تصاویر عالی‌چهاربان را ندیده‌اند؟ نویسنده در حال نوشتن سفرنامه، فکر کرده است که در حدود هزار سال پیش قرار دارد و باید با نقاشی تصویر این بزرگواران، از گزند عبار تاریخ محفوظ بماند. در حالی که دیگر سفرنامه آمده است که: ... مردی است ریزه اندام، پیرانه و پتلون تیره و به مد روز پوشیده، کاکل وریش فرانسوی‌اش» (ص ۱۰۶)، اولاً زیاده بی‌دقتی است، زیرا حوزه علمیه قم نمی‌گذارد که طلباهاش ریش فرانسوی بگذارند، دوم، توصیفات و اضافات زور زوری سرگرمش نماید.

در پایان سخن، برای نویسنده آرزوی توفیق داریم، باشد که بازم بنویسد و ما خواننده‌ان باشیم

**علی پیام**  
**حوت ۱۳۷۸**



### گنج شایگان

گزارشی از کتاب «سایه به سایه» مجموعه رساله‌ها و مقاله‌های نجیب مایل هروی

- سایه به سایه
- نجیب مایل هروی
- نشر گفتار
- چاپ نخست، بهار ۱۳۷۸
- ۱۵۰۰ نسخه، ۶۱۸ صفحه

امروزه، یکی از میدان‌های وسیع تحقیق و پژوهش، ادبیات در ساختار کلاسیک آن است؛ به‌ویژه که نسل جدید و جهان جدید، هر روز از سنت و فرهنگ فرهیخته‌کهن فاصله‌گرفته‌تر و سراج‌از خودبیگانگی بیشتری جولان دارند. این جریان به شکلی است که نسل امروز ما، بدون پشتوانه‌ای غنی از فرهنگ کهن، با پدیده‌های جهان نو مواجه می‌شوند و از همین رو، در نوع بهره‌وری و یافتن سره از ناسره‌های این فرهنگ تازه، با معضلات و دوگانگی شدید و جدّی فرهنگی، تاریخی و اجتماعی برخورد می‌کنند.

درست در همین نقطه برجسته از احساس خلاء که تلاش ارزشمند پژوهشگران قلم به دست و توانمندی چون استاد نجیب مایل هروی همچون روزنهای روشن از امید در آسمان تابسامان فرهنگ و ادب کلاسیک ما پدیدار می‌شود و جان‌های تشنه و شیفته را به پوشش و زندگی امیدوارتر می‌سازد. استاد مایل، که خود در دو سالیگی تمدن - تمدن چهارده‌قرنه خود و تمدن بیست‌قرنه غرب - رنج زندگی را بر دوش می‌کشد و نیز می‌بیند که نسل جوان جامعه‌اش نه کاملاً از فرهنگ کهن و گذشته و سنت‌های اجتماعی خود بریده و نه آن را پویا و امروزی ساخته است و نیز نه فرهنگ و تمدن جدید غربی را به درستی شناخته و آن را با معیارها و سنت‌های بومی خود هماهنگ ساخته، لذا در برزخ

این دو سایه از تمدن‌های موجود و در جریان جامعه دست و پا می‌زند، بر آن سر است که در جهت پیوند نسل امروز با فرهنگ ادبی گذشته، گام‌هایی را برداشته و دست این تازه کاران را بگیرد و در رسیدن به یک فرهنگ پویا و دست‌یافتن به مرزهای مشترک از دو تمدن موجود، دست به شناخت و بلاایش فرهنگ و ادبیات کلاسیک پارسی و شناخت فرهنگ و تمدن جدید بزند. ایشان طی سال‌ها تلاش و پژوهش، مجموعه‌های گرانسنگ و پُرارزش را به صورت رساله‌ها و مقاله‌های شناخته‌ام‌های عرضه کرده و خود در ضرورت و توجیه این اقدام، نوشته کوتاهی در مقدمه کتاب آورده‌است:

«البته، یکی از راه‌ها، بل یکی از شاهراه‌های نظام‌مند از دوسالیگی تمدن‌های چهارده‌قرنه و بیست‌قرنه است. اما تاگزیریم که در سایه روشن تمدن چهارده قرنه خود بیاسیم و تاریخ فرهنگ آن را به درستی و وضوح ترسیم کنیم، همچنان که تاگزیریم در فضای تمدن نوین قرن بیستم، در جست‌وجوی سایه روشن‌ها باشیم و این دو سایه روشن را به گونه‌ای بنگریم که سایه آن را به سایه این پیوسته کند و آمیخته».

نگارنده در این دفتر، گاهگاهی از سایه تمدن بیست‌قرنی به سایه تمدن چهارده‌قرنی نگرسته است، پارهای از نکته‌های مربوط به تاریخ فرهنگ ادبیات در ضمن مقاله‌هایی از دید و نگاشتی امروزین به نگرسته است و یا تصویری که از دوسالیگی تمدن داشته است، سی دانه مقاله از مقاله‌هایش را که در میانه سال‌های ۱۳۵۸ - ۱۳۷۴ نوشته و منتشر کرده بود، در سایه به سایه فراهم آورده...

در مجموعه «سایه به سایه» چند گزینه مورد تصوّف و غوررسی قرار گرفته که عبارتند از:

**الف: زبان و ادب فارسی**  
**ب: عرفان، تصوّف و فلسفه ستیزی**  
**ج: کتاب‌شناسی و نقد کتاب‌های عرفانی**  
**د: سنه‌شناسی و معرفی نسخه‌های خطی**

به علاوه، این کتاب، چند صفحه «یادداشت‌ها و نکته‌های تازه درباره مقاله‌ها» و همچنین «نمایه عام» را در موضوعات مورد بحث را در پایان خود دارد که بر جامعیت و گستردگی آن افزوده است. در بخش نخست - که هشت مقاله وزیران را در خود جای داده، عناوینی چون ضرورت تجدید تصحیح متون، تصوّف در طریق طبیعی شعر فارسی، شیونده نام آواساز و مسایل فارسی دری به چشم می‌خورد که حرف و حدیث‌های شیدنی و خواندنی پیرامون موضوع خود دارد. در بخش دوم که به آیین عرفانی و مشرب‌های فلسفی و فلسفه ستیزی اختصاص دارد نیز هشت مقاله کنجانبیده شده و آراء و نظریات بزرگانی چون شیخ شهاب‌الدین سهروردی به صورت نقد حال و بررسی آثار، و ستیزی غزالی با فلسفه که از میثاق گرم عرصه تصوّف و اهل فلسفه است، و بازشناسی و معرفی چند اهل خرد گمنام، مورد مذاقه و پژوهش قرار گرفته است. بخش سوم که سیزده مقاله را در برمی‌گیرد، به کتاب‌شناسی و نقد کتاب‌های عرفانی اختصاص دارد و در حیطه‌ی همین موضوع، چند اثر از سهروردی و چند اثر از منسوب به امیر سیحلی همدانی، نقد و بررسی گفتارهای شیخ علاءالدوله سمنانی و. مورد نقد و ارزیابی عالمانه قرار گرفته است. بخش پایانی کتاب «سایه به سایه» مربوط است به حوزه نسخه‌شناسی که استاد مایل هروی در این زمینه بد طول دارد. در این بخش، چندین اثر چاپ نشده و بازشناسی شده معرفی و جستارگشایی شده است و پیرامون اهمیت و ارزش هر یک از آن‌ها نکته‌هایی تغز و تازه به گفته آمده است.

«سایه به سایه» علاوه بر محتوای فنی و گرانسنگ و بیابن‌شویاش، از صفحه‌آرایی مؤثر و زیبا و چاپ نفیس نیز برخوردار است. خوش است که پاراگرافی از مقاله «چهل مجلس» را از بخش نقد کتاب‌های عرفانی تمیناً بیازیم که مربوط است به «نقد و بررسی گفتارهای شیخ علاءالدوله سمنانی و شهرت آن در تاریخ تصوّف، چگونگی ویرایش آن».

«چهل مجلس در میان مؤلفات و ملفوظات فارسی علاءالدوله (۶۵۹ - ۷۲۶) بعد از العروة لاهل‌الخلوة دومین رساله‌ای است که به قیاس با دیگر رسایل فارسی او مفضل‌تر است، و نیز با ارزش‌تر. در چهل مجلس دقیق و نکات ارزنده‌ای عنوان شده که در دیگر آثار پارمانده از این دوره، نمی‌توان سراغ آن‌ها را گرفت. از آن جمله است: انتقادات علاءالدوله بر اوضاع اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی عصری و شناخت نکات صوفیه و برخی از بزرگان تصوّف مانند منصور حلاج، جنید بغدادی، ابونصر سراج، محمد غزالی، سعدالدین حمویه، رضی‌الدین علی لالا، ابن عربی، نجم‌الدین کبری، مجدالدین بغدادی، ابوجالدین کرمانی، و مخالفت با حکمت یونان و نقد برخی از آرای ابن سینا، و انتقاد بر اختلافات مذهبی بوداییان هندی که در دستگاه مغول با لقب «بخشی شیعه و سنی، و دفاع از حرمت اهل بیت، و شناخت بوداییان تازه درباره مقاله‌ها» و همچنین «نمایه عام» را در موضوعات مورد بحث را در پایان خود دارد که بر جامعیت و گستردگی آن افزوده است.

در بخش نخست - که هشت مقاله وزیران را در خود جای داده، عناوینی چون ضرورت تجدید تصحیح متون، تصوّف در طریق طبیعی شعر فارسی، شیونده نام آواساز و مسایل فارسی دری به چشم می‌خورد که حرف و حدیث‌های شیدنی و خواندنی پیرامون موضوع خود دارد. در بخش دوم که به آیین عرفانی و مشرب‌های فلسفی و فلسفه ستیزی اختصاص دارد نیز هشت مقاله کنجانبیده شده و آراء و نظریات بزرگانی چون شیخ شهاب‌الدین سهروردی به صورت نقد حال و بررسی آثار، و ستیزی غزالی با فلسفه که از میثاق گرم عرصه تصوّف و اهل فلسفه است، و بازشناسی و معرفی چند اهل خرد گمنام، مورد مذاقه و پژوهش قرار گرفته است. بخش سوم که سیزده مقاله را در برمی‌گیرد، به کتاب‌شناسی و نقد کتاب‌های عرفانی اختصاص دارد و در حیطه‌ی همین موضوع، چند اثر از سهروردی و چند اثر از منسوب به امیر سیحلی همدانی، نقد و بررسی گفتارهای شیخ علاءالدوله سمنانی و. مورد نقد و ارزیابی عالمانه قرار گرفته است. بخش پایانی کتاب «سایه به سایه» مربوط است به حوزه نسخه‌شناسی که استاد مایل هروی در این زمینه بد طول دارد. در این بخش، چندین اثر چاپ نشده و بازشناسی شده معرفی و جستارگشایی شده است و پیرامون اهمیت و ارزش هر یک از آن‌ها نکته‌هایی تغز و تازه به گفته آمده است.

«سایه به سایه» علاوه بر محتوای فنی و گرانسنگ و بیابن‌شویاش، از صفحه‌آرایی مؤثر و زیبا و چاپ نفیس نیز برخوردار است. خوش است که پاراگرافی از مقاله «چهل مجلس» را از بخش نقد کتاب‌های عرفانی تمیناً بیازیم که مربوط است به «نقد و بررسی گفتارهای شیخ علاءالدوله سمنانی و شهرت آن در تاریخ تصوّف، چگونگی ویرایش آن».

«چهل مجلس در میان مؤلفات و ملفوظات فارسی علاءالدوله (۶۵۹ - ۷۲۶) بعد از العروة لاهل‌الخلوة دومین رساله‌ای است که به قیاس با دیگر رسایل فارسی او مفضل‌تر است، و نیز با ارزش‌تر. در چهل مجلس دقیق و نکات ارزنده‌ای عنوان شده که در دیگر آثار پارمانده از این دوره، نمی‌توان سراغ آن‌ها را گرفت. از آن جمله است: انتقادات علاءالدوله بر اوضاع اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی عصری و شناخت نکات صوفیه و برخی از بزرگان تصوّف مانند منصور حلاج، جنید بغدادی، ابونصر سراج، محمد غزالی، سعدالدین حمویه، رضی‌الدین علی لالا، ابن عربی، نجم‌الدین کبری، مجدالدین بغدادی، ابوجالدین کرمانی، و مخالفت با حکمت یونان و نقد برخی از آرای ابن سینا، و انتقاد بر اختلافات مذهبی بوداییان هندی که در دستگاه مغول با لقب «بخشی شیعه و سنی، و دفاع از حرمت اهل بیت، و شناخت بوداییان تازه درباره مقاله‌ها» و همچنین «نمایه عام» را در موضوعات مورد بحث را در پایان خود دارد که بر جامعیت و گستردگی آن افزوده است.

در بخش نخست - که هشت مقاله وزیران را در خود جای داده، عناوینی چون ضرورت تجدید تصحیح متون، تصوّف در طریق طبیعی شعر فارسی، شیونده نام آواساز و مسایل فارسی دری به چشم می‌خورد که حرف و حدیث‌های شیدنی و خواندنی پیرامون موضوع خود دارد. در بخش دوم که به آیین عرفانی و مشرب‌های فلسفی و فلسفه ستیزی اختصاص دارد نیز هشت مقاله کنجانبیده شده و آراء و نظریات بزرگانی چون شیخ شهاب‌الدین سهروردی به صورت نقد حال و بررسی آثار، و ستیزی غزالی با فلسفه که از میثاق گرم عرصه تصوّف و اهل فلسفه است، و بازشناسی و معرفی چند اهل خرد گمنام، مورد مذاقه و پژوهش قرار گرفته است. بخش سوم که سیزده مقاله را در برمی‌گیرد، به کتاب‌شناسی و نقد کتاب‌های عرفانی اختصاص دارد و در حیطه‌ی همین موضوع، چند اثر از سهروردی و چند اثر از منسوب به امیر سیحلی همدانی، نقد و بررسی گفتارهای شیخ علاءالدوله سمنانی و. مورد نقد و ارزیابی عالمانه قرار گرفته است. بخش پایانی کتاب «سایه به سایه» مربوط است به حوزه نسخه‌شناسی که استاد مایل هروی در این زمینه بد طول دارد. در این بخش، چندین اثر چاپ نشده و بازشناسی شده معرفی و جستارگشایی شده است و پیرامون اهمیت و ارزش هر یک از آن‌ها نکته‌هایی تغز و تازه به گفته آمده است.



معرفی چند اهل خرد گمنام، مورد مذاقه و پژوهش قرار گرفته است. بخش سوم که سیزده مقاله را در برمی‌گیرد، به کتاب‌شناسی و نقد کتاب‌های عرفانی اختصاص دارد و در حیطه‌ی همین موضوع، چند اثر از سهروردی و چند اثر از منسوب به امیر سیحلی همدانی، نقد و بررسی گفتارهای شیخ علاءالدوله سمنانی و. مورد نقد و ارزیابی عالمانه قرار گرفته است. بخش پایانی کتاب «سایه به سایه» مربوط است به حوزه نسخه‌شناسی که استاد مایل هروی در این زمینه بد طول دارد. در این بخش، چندین اثر چاپ نشده و بازشناسی شده معرفی و جستارگشایی شده است و پیرامون اهمیت و ارزش هر یک از آن‌ها نکته‌هایی تغز و تازه به گفته آمده است.

«سایه به سایه» علاوه بر محتوای فنی و گرانسنگ و بیابن‌شویاش، از صفحه‌آرایی مؤثر و زیبا و چاپ نفیس نیز برخوردار است. خوش است که پاراگرافی از مقاله «چهل مجلس» را از بخش نقد کتاب‌های عرفانی تمیناً بیازیم که مربوط است به «نقد و بررسی گفتارهای شیخ علاءالدوله سمنانی و شهرت آن در تاریخ تصوّف، چگونگی ویرایش آن».

«چهل مجلس در میان مؤلفات و ملفوظات فارسی علاءالدوله (۶۵۹ - ۷۲۶) بعد از العروة لاهل‌الخلوة دومین رساله‌ای است که به قیاس با دیگر رسایل فارسی او مفضل‌تر است، و نیز با ارزش‌تر. در چهل مجلس دقیق و نکات ارزنده‌ای عنوان شده که در دیگر آثار پارمانده از این دوره، نمی‌توان سراغ آن‌ها را گرفت. از آن جمله است: انتقادات علاءالدوله بر اوضاع اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی عصری و شناخت نکات صوفیه و برخی از بزرگان تصوّف مانند منصور حلاج، جنید بغدادی، ابونصر سراج، محمد غزالی، سعدالدین حمویه، رضی‌الدین علی لالا، ابن عربی، نجم‌الدین کبری، مجدالدین بغدادی، ابوجالدین کرمانی، و مخالفت با حکمت یونان و نقد برخی از آرای ابن سینا، و انتقاد بر اختلافات مذهبی بوداییان هندی که در دستگاه مغول با لقب «بخشی شیعه و سنی، و دفاع از حرمت اهل بیت، و شناخت بوداییان تازه درباره مقاله‌ها» و همچنین «نمایه عام» را در موضوعات مورد بحث را در پایان خود دارد که بر جامعیت و گستردگی آن افزوده است.

در بخش نخست - که هشت مقاله وزیران را در خود جای داده، عناوینی چون ضرورت تجدید تصحیح متون، تصوّف در طریق طبیعی شعر فارسی، شیونده نام آواساز و مسایل فارسی دری به چشم می‌خورد که حرف و حدیث‌های شیدنی و خواندنی پیرامون موضوع خود دارد. در بخش دوم که به آیین عرفانی و مشرب‌های فلسفی و فلسفه ستیزی اختصاص دارد نیز هشت مقاله کنجانبیده شده و آراء و نظریات بزرگانی چون شیخ شهاب‌الدین سهروردی به صورت نقد حال و بررسی آثار، و ستیزی غزالی با فلسفه که از میثاق گرم عرصه تصوّف و اهل فلسفه است، و بازشناسی و معرفی چند اهل خرد گمنام، مورد مذاقه و پژوهش قرار گرفته است. بخش سوم که سیزده مقاله را در برمی‌گیرد، به کتاب‌شناسی و نقد کتاب‌های عرفانی اختصاص دارد و در حیطه‌ی همین موضوع، چند اثر از سهروردی و چند اثر از منسوب به امیر سیحلی همدانی، نقد و بررسی گفتارهای شیخ علاءالدوله سمنانی و. مورد نقد و ارزیابی عالمانه قرار گرفته است. بخش پایانی کتاب «سایه به سایه» مربوط است به حوزه نسخه‌شناسی که استاد مایل هروی در این زمینه بد طول دارد. در این بخش، چندین اثر چاپ نشده و بازشناسی شده معرفی و جستارگشایی شده است و پیرامون اهمیت و ارزش هر یک از آن‌ها نکته‌هایی تغز و تازه به گفته آمده است.

«سایه به سایه» علاوه بر محتوای فنی و گرانسنگ و بیابن‌شویاش، از صفحه‌آرایی مؤثر و زیبا و چاپ نفیس نیز برخوردار است. خوش است که پاراگرافی از مقاله «چهل مجلس» را از بخش نقد کتاب‌های عرفانی تمیناً بیازیم که مربوط است به «نقد و بررسی گفتارهای شیخ علاءالدوله سمنانی و شهرت آن در تاریخ تصوّف، چگونگی ویرایش آن».

«چهل مجلس در میان مؤلفات و ملفوظات فارسی علاءالدوله (۶۵۹ - ۷۲۶) بعد از العروة لاهل‌الخلوة دومین رساله‌ای است که به قیاس با دیگر رسایل فارسی او مفضل‌تر است، و نیز با ارزش‌تر. در چهل مجلس دقیق و نکات ارزنده‌ای عنوان شده که در دیگر آثار پارمانده از این دوره، نمی‌توان سراغ آن‌ها را گرفت. از آن جمله است: انتقادات علاءالدوله بر اوضاع اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی عصری و شناخت نکات صوفیه و برخی از بزرگان تصوّف مانند منصور حلاج، جنید بغدادی، ابونصر سراج، محمد غزالی، سعدالدین حمویه، رضی‌الدین علی لالا، ابن عربی، نجم‌الدین کبری، مجدالدین بغدادی، ابوجالدین کرمانی، و مخالفت با حکمت یونان و نقد برخی از آرای ابن سینا، و انتقاد بر اختلافات مذهبی بوداییان هندی که در دستگاه مغول با لقب «بخشی شیعه و سنی، و دفاع از حرمت اهل بیت، و شناخت بوداییان تازه درباره مقاله‌ها» و همچنین «نمایه عام» را در موضوعات مورد بحث را در پایان خود دارد که بر جامعیت و گستردگی آن افزوده است.

در بخش نخست - که هشت مقاله وزیران را در خود جای داده، عناوینی چون ضرورت تجدید تصحیح متون، تصوّف در طریق طبیعی شعر فارسی، شیونده نام آواساز و مسایل فارسی دری به چشم می‌خورد که حرف و حدیث‌های شیدنی و خواندنی پیرامون موضوع خود دارد. در بخش دوم که به آیین عرفانی و مشرب‌های فلسفی و فلسفه ستیزی اختصاص دارد نیز هشت مقاله کنجانبیده شده و آراء و نظریات بزرگانی چون شیخ شهاب‌الدین سهروردی به صورت نقد حال و بررسی آثار، و ستیزی غزالی با فلسفه که از میثاق گرم عرصه تصوّف و اهل فلسفه است، و بازشناسی و معرفی چند اهل خرد گمنام، مورد مذاقه و پژوهش قرار گرفته است. بخش سوم که سیزده مقاله را در برمی‌گیرد، به کتاب‌شناسی و نقد کتاب‌های عرفانی اختصاص دارد و در حیطه‌ی همین موضوع، چند اثر از سهروردی و چند اثر از منسوب به امیر سیحلی همدانی، نقد و بررسی گفتارهای شیخ علاءالدوله سمنانی و. مورد نقد و ارزیابی عالمانه قرار گرفته است. بخش پایانی کتاب «سایه به سایه» مربوط است به حوزه نسخه‌شناسی که استاد مایل هروی در این زمینه بد طول دارد. در این بخش، چندین اثر چاپ نشده و بازشناسی شده معرفی و جستارگشایی شده است و پیرامون اهمیت و ارزش هر یک از آن‌ها نکته‌هایی تغز و تازه به گفته آمده است.

## حدیث نامکروز

- تحقیق و پژوهش در تاریخ زندگانی امام حسین (ع)
- محمداسحاق اخلاقی
- مؤسسه فرهنگی فقیهین
- چاپ اول، بهار ۱۳۷۷ م
- تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

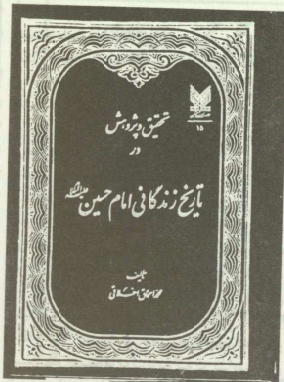
سال‌هاست که طلایی از کشور ما در حوزه‌های علمیه عراق، مصر، ایران و پاکستان به طلب علم می‌روند در میان آن‌ها، آدم‌های بافضل و کمال نیز کم نبوده و نیستند. بسیاری از آن‌ها مدارج بالای فلسفی و فقهی را بی‌موده‌اند. اما کمبودی که از دیرباز در میان این گروه احساس می‌شده، اکتفا کردن آن‌ها به آموزش‌های شفاهی بوده است آن‌ها کمتر قلم را به‌عنوان وسیله تبلیغ به کار گرفته‌اند، یا توجه به این‌که اولین درس یک طلبه در آداب لم‌تعلّمین قید کردن علم توسط کتابت است.

این مشی نه‌چندان نیکو، باعث این شد که کشور ما علی‌رغم داشتن فراوانگان بسیار، از نتایج فکری آن‌ها بی‌بهره بماند و علمای ما، بعد از وفات، دنیایی از تجربه و علم را با خودشان به زیر خاک منتقل نمایند، تا جامعه ما در بدیهی‌ترین امور مذهبی نیز چشم به ماورای مرزها داشته باشد.

این تذکر کوتاه، در حکم هشدار به عالمان ما و تقدیر از کار ارزشمند جناب حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ محمداسحاق اخلاقی است در نوشتن تاریخ زندگانی امام حسین (ع) که به تازگی وارد بازار کتاب شده است. کتاب در ۹۶۸ صفحه در قطع رحلی با کاغذ و جلد طلا و با سرمایه دختر نماینتگی ولی فقیه در امور افغانستان، به چاپ رسیده است. امید که این اقبال‌ها، نصیب آثار دیگر نویسندگان ما که احتمال کارهایی از این دست دارند نیز بشود.

کتاب در ده فصل و ۲۴۰ عنوان فرعی، سبب زندگی حضرت اباعبدالله الحسین را به تفصیل مورد بررسی قرار داده است. مؤلف، داستان چاپ کتاب را این‌گونه وصف می‌کند: «این جانب با توجه به این‌که حسین (ع) هزاران کتاب نوشته شده، ادبیه و شعراء پیش از حد و محرم آن حضرت را مدح و منقبت گفته‌اند و رثاء آن بزرگوار را به نظم و نثر درآورده‌اند که مجموعه آثار مربوط به آن حضرت کتابخانه بزرگی را تشکیل می‌دهد و یا توجه به ناتوانی خود در پژوهش و تحقیق حالات و صفات آن بزرگوار به اثر عشق و علاقه‌ای که در خود احساس می‌کردم و حقی جرات دادم که به مانند هدیه سوز در خدمت سلیمان، مطالبی را گردآوری و آن را ذخیره برای آخرت خود قرار دهم».

صحت درباره مطالب این کتاب، شیوه نوشتار و چارچوب آن در میان دیگر آثار نوشته شده در موضوع، خود بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد که امید است دیگر



مجلات ما به آن بپردازد. این معرفی اجمالی را با بخش کوتاهی از فصل نهم کتاب به پایان می‌بریم و برای جناب اخلاقی توفیقات بیشتر آرزو می‌نماید.

**«عزاداری سالار شهیدان در افغانستان:»** ۲۷ ماه ذی‌الحجّه الحرام، مراسم سوگواری شهیدای کربلا برگزار می‌شود، تا اول محرم که گاهی چهارشب و گاهی سه شب می‌باشد که شبها برای اقامه عزای اجتماع می‌کنند، فقط روزه می‌خوانند. کیفیت آن چنین است: بعد از آن‌که مردم جمع شدند، اعلام رسمیت جلسه به ذکر صلوات بر پیامبر اسلام می‌شود. بعد، نخصی که از همه عالم‌تر باشد به یاد شهیدان کربلا و جانبازان راه خدا در قالب لفاظ و عبارات مخصوص که نوعاً چنین گفته می‌شود:

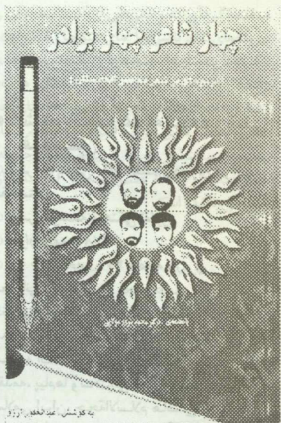
روح پرتوخت حضرت مولا بی‌عبدالله الحسین را با سایر شهدای کربلا و جانبازان راه خدا را و ارواح اموات و گمشدگان اهل مجلس را یاد و نشاد گردانیده بخوان فاتحه‌مع‌الاخلاص و صلوات. بعد از فرستادن ورود و قرائت حمد و سوره، پیش‌خوانی شروع می‌گردد. پیش‌خوانی عبارت از این است که دو نفر باهم یکی از نوحه‌های مناسب را که درباره امام حسین (ع) و مصایب آن بزرگوار سروده شده، هم‌آواز می‌خوانند. بعد از ختم هر بیت، دیگران که در اطراف این دو نفر از روضه‌خوان‌ها به صورت دایره نشست‌اند، همان بیت اول را با صدای بلند و هماهنگ تکرار می‌کنند و می‌خوانند. این نوحه‌خوان و دیباچه‌خوان، حالت آمادگی را برای مستمعین بوجود می‌آورد. بعد از آن‌ها، نوبت می‌رسد به کسانی که با‌عقده‌خوان می‌باشند...

بعد از با‌عقده‌خوان‌ها، نوبت به خاتم مجلس می‌رسد که نوعاً اهل موعظه و حدیث است که به او واعظ و منبری گفته می‌شود. او بعد از موعظه و حدیث، روزه نیز می‌خواند...

بعداً، نوبت به سینه‌زنی می‌رسد که جوان‌ها و آن‌هایی که توان دارند، از جا بلند شده و مشغول

سینه‌زنی می‌شوند. سینه‌زنی هم انواعی دارد: نوعی معمول آن در منطقه ما عبارت از این بود که عده‌ای از افراد به شکل دایره می‌ایستند. اول آهسته‌آهسته دست را به سینه زده یک طرف حسن می‌گویند و طرف دیگر حسین، تا کم‌کم صداها بلند می‌گردد و آهسته‌آهسته حرکت دایره‌ای [نیز] دارند تا این‌که به جوش و خروش می‌آیند در زمانی که به جوش و خروش می‌آیند، در آن زمان یا مشت چنان‌به سینه‌های خود می‌زنند که همه قرمز و سرخ می‌شود. همین‌گونه به سینه‌زدن ادامه می‌دهند تا خسته می‌شوند. یکی نفر یا دو نفر یا بیشتر از کنار جمعیت هرچند دقیقه فاصله به صدای بلند می‌گویند یا امام حسین (ع)، این کلمه هم موجب به جوش آمدن سینه‌ها می‌شود، هرگاه سینه‌ها به سینه‌زدن خود ادامه دادند، دیواره و به باره این کلمه به صدای بلند گفته می‌شود تا این‌که سینه‌ها دست از سینه‌زدن بردارند و به زمین بنشینند. زمانی که به زمین نشستند، یکی بلند گردیده نوحه‌ای می‌خواند و یک عده دیگر همان شعر اول را تکرار می‌کنند که این را پیش‌خوانی می‌گویند. بعد از ختم نوحه، دیواره اعلام سینه‌زنی می‌شود... و این نحوه تکرار می‌شود. بعد مردم همه حرکت نموده می‌ایستند و دسته‌جمعی سلام‌نامه می‌خوانند. در خواندن سلام، رو به جهتی می‌کنند که کربلا قرار دارد و بر شهیدان کربلا درود و سلام فرستاده می‌شود. بعد از ختم سلام، دعا می‌کنند. البته دعا و سلام توسط آن‌کس انجام می‌گردد که سخنران و واعظ جلسه باشد. بعد از دعا، نفرین بر یزید و تابعان او می‌نمایند. از اول محرم تا سیزدهم، از طرف شب به طور عام و از طرف روز روضه‌خوان‌ها و خدمت‌گزاران جلسه، اطعام می‌شوند و هر خانه، در اطعام که آن را نذر سیدالشهدا می‌گویند، سهم می‌گیرند و هر قریه و محله به نوبت نذر می‌دهند. مثلاً یک شب چند خانه و شب دیگر چند خانه دیگر تا روز سیزدهم ادامه دارد. روز دهم محرم الحرام که تعبیر به «آشورا» می‌شود، کارها را ترک می‌گویند، مشغول تعزیه‌نمایی می‌گردند، اما بقیه [نه روز محرم] را در شب اقامه عزای می‌نمایند. روز عاشورا علم و پرچی به نام حضرت عباس بسته می‌شود و در وقت خواندن که مردم به حال گریه هستند، پرچم را وارد مجلس می‌کنند و وقتی که علم وارد مجلس می‌گردد، از زن و مرد اعیان و شیون بلند می‌گردد و همه به احترام علم از جا بلند گردیده، علم را زیارت می‌کنند. بعد علم را در یک طرف مجلس تکیه می‌دهند، پارچه‌ای به شکل سفره‌غذا در پای علم پهن می‌نمایند و هرکس ندی وظیفه دارند، پول‌های نذر را جمع می‌کنند و بعد از حساب، تسلیم یک نفر نموده بعداً که روز سیزدهم گلیه تمدیه را جمع می‌کنند، این پول را برای روضه‌خوان‌ها، خصوصاً واعظ مجلس می‌پردازند»

**سید ابوطالب مقلری**



به کوشش عبدالغفور

## چهار شاعر، چهار برادر

- چهار شاعر، چهار برادر
  - به کوشش عبدالغفور آرزو
  - با مقدمه دکتر محمد سرور مولایی
  - طرح‌ها: جلیل مرادی راد
  - ناشر: گل آفتاب
  - چاپ یکم، مشهد، تابستان ۱۳۷۸
  - ۲۰۰۰ نسخه، ۱۸۵، ۷۰۰۰ ریال
- «چهار شاعر چهار برادر» عنوان کتابی است که به کوشش عبدالغفور آرزو شاعر و پژوهنده کشور ما توسط نشر گل آفتاب مشهد به چاپ رسیده است. مقدمه بلند جناب دکتر سرور مولایی نیز بر طلیعه آن می‌درخشد.
- این کتاب که در چهار بخش تنظیم شده است، دربرگیرنده شعرهایی است از مرحوم دکتر عبدالرسول آرزو، عبدالغفور آرزو، عبدالله آرزو و پرویز آرزو علاوه بر شعرها، در آغاز هر بخش، زندگی‌نامه و عکس شاعران نیز بر غنای کار افزوده است.
- مدت‌ها بود که برای چاپ و نشر کتاب‌های نویسندگان مهاجر، کانال‌های محدودی در اختیار بود و این یا توجه به حجم انبوه کار نویسندگان

مهاجر، گاه با سلاقی مختلف نیز جور در نمی‌آمد و تعداد زیادی از نوشته‌ها از دسترس عموم به‌دور می‌ماند. امید است تعدّد این کانال‌ها در کمیّت و کیفیت کار نشر مهاجرین مؤثر افتد.

کار نقد و بررسی تفصیلی این کتاب، زمان دیگری می‌طلبد که به هر چهار شاعر به‌طور جداگانه یا توجه به موقعیت‌شان پرداخته گردد. در این‌جا، بخشی از مقدمه جناب دکتر سرور مولایی بر این کتاب را که خود نوعی نقد نیز هست، مرور می‌کنیم:

«گاه در بحث از نقد شعر، به محیط فرهنگی و فضای همگون تاریخی و اجتماعی تأکید می‌شود و بر آن اساس، وجوه همانندی و ناهم‌اندی‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. عدد شاعران و هنرمندانی که فی‌المثل در یک خانواده تربیت یافته باشند مانند برادران آرزو (عبدالرسول، عبدالغفور، عبدالله و پرویز) هرچند در تاریخ ادبیات فراوان نیست، اما کم‌ظنیر هم نیست. آنچه این چهار برادر شاعر را حتی در همین مجموعه کوتاه که نمونه‌های معدودی از اشعار هر یک را در بردارد - از یکدیگر متمایز می‌گرداند، نام آنان و یا خطوط ظاهری سبزی آنان که در اول هر فصل آورده شده، نیست. تفاوتی است که در طرز نگاه آنان حتی نسبت به یک امر وجود دارد»

## یک شاخه به سوی نور

(نمونه‌های شعر معاصر دری)

به کوشش: سید فریدون ابراهیمی و ضیاء احمد صدیق افضل

- تاریخ چاپ: خزان ۱۳۷۸
  - تیراژ: ۵۰۰ نسخه
- «یک شاخه به سوی نور»، نام یک مجموعه شعر است و سبب است که در پیشاور به چاپ رسیده است. این مجموعه صدوهشت قطعه شعر از سی شاعر ما را احتوا کرده است. طبع نوجوی گردآورندگان را از مقدمه کوتاه اما سخنی آن‌ها می‌توان دریافت: «کاروان شعر ما پس از عبور از جاده‌های بی‌هویتی، توانست به کوچ‌باغ‌های اصل شعر راه یابد. انقلاب عظیم و قالب شکن نیما بزرگ، شعر فارسی را از تنگنای قالب‌های کساد و متحجر کهن رهانید و داخل مرحله حساس آن نموده این گزیده از دو جهت قابل توجه است.
- اول: در روزگار ما نیاز به وجود این‌گونه کارها به‌شدت احساس می‌شود، زیرا چاپ مجموعه‌های مستقل برای اکثر شاعران ما میسر نیست. کارهایی

از این دست، می‌تواند پل ارتباط باشد میان شاعران و خوانندگان.

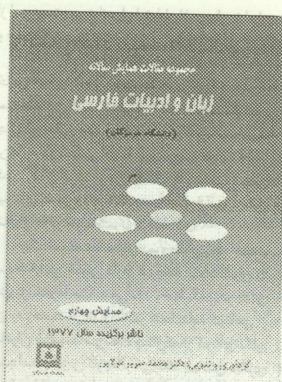
دوم این‌که دوتن از جوانان شاعر ما با سلیقه‌های خاص خودشان، این مجموعه شعر نو را گردآوری نموده‌اند. این کار در کشور ما تاکنون صورت نگرفته و جای آن خالی بود، هرچند همین امر، مسؤلیت آن‌ها را نیز سنگین کرده است. می‌شد دایره کار را گسترده‌تر گرفت و در انتخاب اشعار نیز تلاش بیشتری به خرج داد تا مکتوب جامعی از ذوق آرمایی شاعران ما در حوزه شعر نو عرضه شود.

«یک شاخه به سوی نور» طرح روی جلد و صفحه‌آرایی خوبی دارد، هرچند نام شاعران با عنوانین شعرها مشتبّه می‌شود و خواننده را در یافتن آن به زحمت می‌اندازد. اگر زندگینامه کوتاهی از شاعران ضمیمه می‌شد - چنان‌که از گردآورندگان شده است - ارزش کار بالاتر می‌رفت. با بخش دیگری از مقدمه گزارشگران، این معرفی را درمی‌پیچیم.

«شعر امروز ما اسطوره بزرگ شهادت است و کارنامه مردان صبوری که آزادی را در ازای خون خویش خریدند و نامشان در قاموس زندگی معنای ششمین است»

**حامده خاوری**





**زبان و ادبیات فارسی**

مجموعه مقالات  
گردآوری و تدوین:  
دکتر محمد سرور مولایی  
ناشر: دانشگاه هرمزگان  
چاپ اول: زمستان ۱۳۷۸

دانشگاه هرمزگان از سال ۱۳۷۵ به این سو همایش سالانه‌اش را در زمینه زبان و ادبیات فارسی برگزار می‌کند و گفتارها و مقالات متعدد و مبسوطی از سوی کارشناسان و اساتید این رشته ارائه می‌گردد. استاد داکتر محمد سرور مولایی زحمت تدوین و گردآوری این گفتارها و مقاله‌ها را بردوش گرفته و آثار ارائه شده به همایش فوق را با نظم و ترتیب خاصی برای چاپ و نشر ارائه کرده که تاکنون سه مجموعه از آن از سالهای ۷۷-۷۵ توسط دانشگاه هرمزگان به بازار کتاب عرضه شده است. این آثار که درباره زبان و ادب پارسی است گاه به گاه مسایل فرهنگی و علمی گذشته نیز می‌پردازد.

مطالعات و تحقیقات اسلامی پژوهشکده فلسفه و کلام است. کتاب از یک مدخل و چهار بخش و ضمائم و در آخر کتاب، نمایه‌های اشخاص و کتابنامه به زبان فارسی و انگلیسی تشکیل یافته است.

**نوای کابل**

○ سید اسدالله فنایی کابل  
○ به کوشش محمد هاشم صیامی  
○ ناشر: خانواده شاعر  
○ سال نشر: زمستان ۱۳۷۸، مشهد  
مجموعه قصاید، مثنویات، غزلیات، الهیات و محاسبات سید اسدالله فنایی کابل به طریقی زیراکسی توسط خانواده شاعر به نام نوای کابل، به تازگی در دسترس علاقمندان قرار گرفته است. کتاب مذکور با جلد زرکوب و حروفچینی تمیز با عکس شاعر شروع شده و با پیشگفتار گردآورنده به متن اصلی گره خورده است.

**چگون نامه**



**چگون نامه**

○ چگون نامه  
○ عبدالمجید آیینچی  
○ ناشر: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی  
○ چاپ اول، گرگان، ایران  
○ ۲۰۰۰ نسخه، رفعی  
○ قیمت: ۲۵۰ تومان  
شعر بلند شاعر مطرح ترکمن افغانستان عبدالمجید

ایشیجی به زبان ترکمنی، اخیراً از سوی مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی مکتومقلی فرانی استان گرگان ایران در ۵۱ صفحه و قطع رفعی چاپ و نشر یافته است. در ابتدای کتاب، مقدمه‌ای از مدیر عامل مؤسسه مذکور به زبان فارسی چاپ شده که شمعی از زندگی‌نامه شاعر نیز در آن آمده است. چاپ و نشر شعر ترکمن افغانستان از سوی یک مؤسسه ایرانی باطبع نتیجه خوبی در جهت تعامل فرهنگی قیما بین دو کشور و معرفی ادبیات ترکمن خواهد داشت.

**ششمین مجمع علماء شیعه و سنی افغانستان**

○ دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور افغانستان  
○ ناشر: مؤسسه فرهنگی نقلین  
○ تهران، بهمن ۱۳۷۸  
○ ۲۰۰۰ نسخه، ۳۰۰ صفحه وزیر  
سخنرانی‌های پنجمین مجمع علمای شیعه و سنی افغانستان در مشهد، در کتابی با همین عنوان چاپ شده است. این کتاب توسط مؤسسه نقلین در ۱۸۱ صفحه انتشار یافته و حاوی این مطالب است: مقدمه، پیامها و سخنرانی‌هایی از مقامات جمهوری اسلامی ایران، حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، حجة الاسلام ناصح نوری، آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی، حجة الاسلام ابراهیمی، دکتر علی‌اکبر ولایتی، آقای طاهریان و سرلشکر رحیم صفوی، و همچنین سخنرانی‌هایی از علما و سیاستمداران افغانستانی.



**چهره درخشان کابل**

○ سید اسدالله فنایی  
○ ناشر: خانواده شاعر  
○ زمستان ۷۸، مشهد  
○ زیراکسی، ۹۷ صفحه  
در این کتاب، سید اسدالله فنایی کابل نوه آیت‌الله لیل کلبلی زندگی نامه چذ خود را به رشته نظم کشیده است. کتاب به طریقی زیراکسی در مشهد چاپ و تکثیر شده و در قطع رفعی در دسترس علاقمندان قرار گرفته است.  
○ در این جزوه، تصویر شاعر را داریم و بعد، پیشگفتاری نسبتاً خوب، از مرف و سپس در سه فصل، وقایع زندگی لیل به تفصیل آمده است.

**در دیان پیر هرات**

○ مجموعه اشعار میر محمد امین مشعوف  
○ به کوشش میر محمد یعقوب مشعوف  
○ ناشر: خانواده شاعر  
○ سال نشر: ۱۳۷۸ مشهد  
مجموعه سروده‌های مرحوم میر محمد امین مشعوف به طریقی زیراکسی با جلد زرکوب و تاپ و تکثیر مطلوب، در ۱۲۵ صفحه به کوشش میر محمد یعقوب مشعوف به تازگی در اختیار ادب دوستان قرار گرفته است. محتوای کتاب را فهرست، تصویر شاعر، مقدمه گردآورنده و تقریظی از راشد سلجوقی و سروده‌های شاعر با سرفصل‌های «شورها و خاطره‌ها»، «نکته‌ها و نیش‌ها»، «نغمه‌ها و ناله‌ها»، «دیدها و دایه‌ها» و «آشنایی با مشاهیر ادبی و فرهنگی هرات» تشکیل داده است. میرغلام خیدر میر کلان گازرگاه، مقبل، مشفق، شایق هروی، طاهر، تسکین، هما، امین و مستولیان دیار پیر هرات از جمله شخصیت‌هایی اند که عکس، شعر و زندگی‌نامه از آن‌ها آورده شده است.

**مونس العشاق (به انضمام شرح مونس‌العشاق)**

○ شهاب‌الدین سهروردی و نظم عمادالدین عربشاه یزدی  
○ تصحیح و توضیح: نجیب مایل هروی  
○ انتشارات مولی  
○ چاپ دوم، ۱۳۷۸  
این کتاب، اثر تصحیحی تازه‌ای از نجیب مایل هروی است که با صحتی زیبا وارد بازار کتاب شده است. مقدمه چهل و شش صفحه‌ای مصحح در توضیح و معرفی صاحبان آثار و شیوه کار خودش، از فضایل این کتاب به شمار می‌آید. خواندن این اثر ممنوی را به صاحبان ذوق توصیه می‌کنیم.

**میثاق وحدت (هفته‌نامه)**

○ حزب وحدت اسلامی افغانستان  
در جریان کارهای مطبوعاتی، جدیداً هفته‌نامه میثاق وحدت با صاحب امتیازی حزب وحدت اسلامی افغانستان، مدیریت‌مسئولی محمّد ناطقی سردبیری علی‌عالمی کرمانی زیر نظر هیأت تحریریه در ۱۲ صفحه و قطع نیمه روزنامه‌ای در ایران، شهر قم پدید آمده است. مضمون آن سیاسی، اجتماعی، ادبی و فرهنگی است و نخستین شماره آن، ۲۱ شهریور (سپتامبر) ۱۳۷۸ به نشر رسیده است. مطالب و مضامین آن را گزارش‌های خبری، سیاسی، اشعار و تحلیل‌های سیاسی تشکیل می‌دهد. محتوای هفته‌نامه مزبور و ظاهر آن در محدوده نشریات دیگر حزبی که در ایران به نشر می‌رسد، قرار دارد.

**مردم (هفته‌نامه)**

○ ارگان نشراتی حرکت اسلامی افغانستان  
○ صاحب امتیاز: شورای مرکزی ح. ا. ا. ا.  
○ مدیرمسئول: شیخ زکریا مشکور کابل  
○ (با همکاری هیأت تحریریه)  
در عرصه کارهای نشراتی، حرکت اسلامی افغانستان اقدام به نشر هفته‌نامه مردم نموده است که اولین شماره آن، ۳۰ دلو ۱۳۷۸ در مشهد انتشار یافته است. این نشریه، با قطع جریده‌ای و در ۸ صفحه انتشار یافته و عناوین کلی مندرج در آن عبارتند از سیاست مردم، ادب و هنر مردم، گزارش مردم، دیدگاه مردم و بازتاب. محتوای نشریه مردم را گزارش‌های خبری از اوضاع سیاسی افغانستان، مصاحبه، تحلیل سیاسی و اشعار تشکیل می‌دهد.

**صدای زن**

○ صاحب امتیاز: محمد اسحاق محمدی  
○ تحت پوشش مؤسسه فرهنگی - سیاسی «سید جمال‌الدین»  
○ مدیرمسئول و سردبیر: محمّد محمدی  
○ نظارت و تنظیم مطالب: عباس جعفری  
○ با کوشش کادر نویسندگان  
○ شرح روی جلد: ع. دانش‌آموز  
○ طراحی پشت جلد: سید محسن حسینی  
صدای زن، مجله‌ای تازه برآمده از مشهد است که به صورت دو ماهنامه نشر می‌شود و نخستین شماره آن، در ماه‌های میزان و عقرب هفتاد و هشت انتشار یافته و در حوزه سیاست، فرهنگ و اجتماع و ادب تلاش مطبوعاتی می‌کند.

